



جایگاه سهروردی در نسبت یافتن فلسفه اسلامی با قرآن / «آیه نور»؛ تکیه‌گاه فلسفه سهروردی

مؤلفه و مفهوم اصلی فلسفه سهروردی «نور» است و در این جا تکیه‌گاه سهروردی آیه نور است و بر اساس آن وی به بینشی می‌رسد که همه جهان را بر این مبنا ببیند و در پرتو این تلقی از نور و با استفاده از قرآن است که قطعاً همه جهان بینی خود را بنا گذاشته است.

مؤلفه و مفهوم اصلی فلسفه سهروردی «نور» است و در این جا تکیه‌گاه سهروردی آیه نور است و بر اساس آن وی به بینشی می‌رسد که همه جهان را بر این مبنا ببیند و در پرتو این تلقی از نور و با استفاده از قرآن است که قطعاً همه جهان بینی خود را بنا گذاشته است.

نجفقلی حبیبی، استاد فلسفه و حکمت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به مناسبت روز بزرگداشت سهروردی، به بیان نکاتی در باب تأثیر قرآن بر اندیشه‌های این فیلسوف اسلامی پرداخت.

حبیبی با اشاره به توجه همه گروه‌های فکری اسلامی از فیلسوفان تا فقها به قرآن، به میزان توجه فیلسوفان برجسته اسلامی به قرآن اشاره کرد و گفت: از بین فیلسوفان کمتر می‌بینیم که فارابی به آیات قرآن استناد کند یا من چیزی به خاطر ندارم. ابن سینا در موارد محدودی این کار را کرده و به قرآن توجه کرده است و مطلب خود را با یک بیانی از آیات قرآنی به اثبات می‌رساند یا محکم‌تر می‌کند. برای مثال در برهان صدیقین در اشارات صریحاً به آیه قرآن اشاره می‌کند و اصلاً کلمه «صدیقین» را از همین جا می‌گیرد ولی در کل استنادات او به آیات قرآن محدود است.

سهروردی؛ اولین فیلسوفی که بیش از همه به قرآن استناد می‌کند

وی با بیان این که سهروردی بعد از ابن سینا اولین فیلسوفی است که بیش از همه به قرآن استناد می‌کند، ادامه داد: بعد از سهروردی هم ملاصدراست که می‌شود گفت به نحوی از سهروردی خیلی مایه گرفته است اما در عین حال خود او هم توجه ویژه‌ای به قرآن دارد. ملاصدرا البته تا جایی پیش رفت که علاوه بر استناداتش به قرآن در کتاب‌های فلسفی‌اش، تفسیر قرآن هم نوشت. البته زمانه ملاصدرا هم خیلی متفاوت است و در دوره صفویه فضای سیاسی دیگری به وجود آمده و توجه ویژه‌ای به مسائل دینی هست.

توجه سهروردی به قرآن بیش از حد انتظار است

حبیبی توجه سهروردی به قرآن را با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فکری موجود در زمانه وی بیش از حد انتظار توصیف کرد و با اشاره به یکی از کتاب‌های وی گفت: وی در *الالواح العمدیه* که یکی از کتاب‌های کوچک اوست و آن را به دو زبان فارسی و عربی نوشته است، در متن عربی آن تصریح می‌کند که من بنا دارم برای بیان مسائل فلسفی از قرآن مجید استشهاد کنم و برای هر مطلب دو آیه بیاورم و این کار را انجام داده است.

الواح العمدیه؛ مهمترین کتاب فلسفی - قرآنی سهروردی

این استاد فلسفه اسلامی درباره این کتاب عنوان کرد: سهروردی این کتاب را ظاهراً در دیار بکر در زمانی که به نزد حاکم آنجا به نام عمادالدین بوده به نام او نوشته است و شاید تنها کتابی است که به نام کسی نوشته است. او جوان پر شور و حرارتی بوده است که در حالت سیر و سلوک و سیر آفاق و انفس بوده و گذرش که به دیار بکر می‌افتد کتاب *الالواح العمدیه* را برای حاکم آن جا می‌نویسد و در آن فوق العاده به آیات قرآنی استناد می‌کند.

عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها افزود: سهروردی البته در کتاب‌های رسمی‌اش مانند *حکمة الاشراق* نیز آیاتی دارد اما نه به این شکلی که در این جا دارد. در بعضی از رساله‌های کوچک دیگر هم به آیات قرآن استناد می‌کند اما هیچ کدام به اندازه *الالواح العمدیه* نیست.

تأملی بر استنادات قرآنی فلاسفه

حبیبی با اشاره به این مطلب که این استنادات مورد ارزیابی‌های متفاوتی قرار می‌گیرد، اظهار کرد: بعضی ممکن است بگویند که سهروردی سعی کرده اول حرف خود را در قالب فلسفه بزند و بعد به تکلف می‌خواهد یک آیه را به آن وصل کند و بگوید که مطلبش مورد تأیید آیه قرآن است. در این جا در واقع آیه برای تأیید دیدگاه فلسفی او استفاده می‌شود، هر چند که ظاهر آیه مخالف این مسئله باشد.

وی پاسخگوئی به چنین اشکالی را برای کسانی که می‌خواهند به آیات قرآن استشهاد کنند دشوار دانست و بیان کرد: به هر حال فیلسوفان در تفسیر قرآن خیلی دست خود را باز می‌دانند و برای مثال وقتی که در تفسیر آیه‌ای که از «خلق» و «امر» سخن می‌گوید، وارد می‌شوند خلق را عالم مادی معرفی می‌کنند و مقصود از امر را عالم مجردات می‌دانند؛ حال آن که در ظاهر آیه هیچ چیزی که به این مطلب اشاره داشته باشد وجود ندارد و مطالبی را هم که مفسرین معمولی در این مورد دارند اصلاً چنین نظری را بیان نمی‌کند.

وی افزود: اما همچنان که گفته شد فیلسوفان خود را در تفسیر آیات قرآن آزاد می‌دانند و بر اساس دیدگاه‌های فلسفی خود آیات را تفسیر می‌کنند و سهروردی نیز در استفاده از آیات قرآنی دست خود را باز می‌بیند و آن‌ها را بر مبناهایی که در فلسفه دارد تفسیر می‌کند.

«آیه نور»؛ تکیه‌گاه فلسفه سهروردی

حبیبی همچنین با اشاره به مؤلفه و مفهوم اصلی فلسفه سهروردی یعنی «نور» و نسبت آن به آیه نور، بیان کرد: سهروردی در این مورد هم به قرآن و هم به فلسفه ایران باستان استناد می‌کند و می‌گوید که جهان همه نور است و جهان معنوی که از جانب خداوند بر همه عالم سیطره دارد جنبه نوری عالم است و جنبه مادی را ظلمت یا تاریکی می‌خواند. در این جا تکیه گاه سهروردی آیه نور است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌شود گفت که تم اصلی فلسفه سهروردی یعنی اصالت داشتن نور در عالم و تقابل نور و ظلمت از قرآن گرفته شده است یا نه؟ اظهار کرد: نمی‌شود این گونه گفت که این تم حتماً از قرآن اخذ شده است اما می‌توان این را گفت که او یک تلقی فلسفی از جهان پیدا کرده است و بعد برای اثبات یا تأیید آن به آیات قرآنی روی می‌آورد. به هر حال من قادر نیستم و شواهدی در این مورد در دست ندارم که تعیین کنم که این فهم فلسفی در ابتدا بدون قرآن حاصل شده است یا از ابتدا از قرآن اخذ شده است و بعد سهروردی به تم فلسفی جهان نورانی رسیده است.

این پژوهشگر فلسفه اشراق ادامه داد: اما در هر صورت این مفهوم به سهروردی بینشی می‌دهد که همه جهان را بر این مبنا ببیند و در پرتو این تلقی از نور و با استفاده از قرآن است که قطعاً همه جهان بینی خود را بنا گذاشته است؛ به شکلی که قبلی‌ها اصلاً چنین تصویری را ندارند. البته می‌توان گفت که از فلسفه‌های دیگر نیز برای تأیید حرف‌های خود کمک گرفته است. توجه عظیم ملاصدرا به قرآن مرهون وجود سهروردی است

حبیبی همچنین در پاسخ به این سؤال که تا چه حد وجود ملاصدرا که تفسیر قرآن می‌نویسد مرهون وجود سهروردی است؟ پاسخ داد: من فکر می‌کنم که این نکته خیلی درست است، چون ملاصدرا خیلی تحت تأثیر سهروردی بوده است و توجه عظیم او به قرآن از همین جا آغاز می‌شود؛ هر چند خود او آن را توسعه می‌دهد، اما بالاخره سهروردی برای او خیلی الهام بخش است. ملاصدرا با ابن سینا هم خیلی محشور است اما در بیان ابن سینا، با وجود اصول قرآنی‌ای که مد نظر اوست، چندان جلوه ندارد.

وی افزود: البته در این زمینه فضای اجتماعی و سیاسی کشور نیز مؤثر است اما آن تعلق خاطر یا الهامی است که ملاصدرا از سهروردی گرفته است یا تعلق خاطری است که به او دارد که به ملاصدرا کمک کرد تا وارد عرصه قرآن بشود. البته خود او انصافاً با تفسیری که نوشت خیلی از سهروردی جلوتر رفت؛ به طوری که در اواخر کتاب اسفار و شواهد الربوبیه که مباحث معاد را مطرح می‌کند همه بحث او قرآنی است.